



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سفید

وصیتهای مادر هجده ساله در بستر شهادت

حجت الاسلام دکتر سید رضا موسی کاظمی (نایینی)

بهمن ۱۳۹۴ ش - ربیع الثانی ۱۴۳۷ ق



سرشناسه	کازمی نایینی، سیدرضا موسی، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	وصیت‌های مادر هجده ساله در بستر شهادت/سیدرضا موسی کازمی (نایینی).
مشخصات نشر	قم: انتشارات حضرت عباس(ع)، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۱۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۶۱۱-۳۹-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	فاطمه زهرا (س)، ۲۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- وصیتنامه.
موضوع	فاطمه زهرا (س)، ۲۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق.
رده بندی کنگره	۱۳۹۴-ک۲/۳/ BP۲۷۷
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۴۹۴۸۶

شناسنامه

نام کتاب: وصیت‌های مادر هجده ساله در بستر شهادت

مؤلف: سید رضا موسی کازمی نایینی

ناشر: انتشارات حضرت عباس علیه السلام

نوبت چاپ: اول/ اسفند ۱۳۹۴ - چاپ: نگارش - شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

مرکز پخش:

قم، خ ارم، پاساژ قدس، زیرزمین، پ ۱، انتشارات الغدیر.

تلفن: ۳۷۷۴۸۵۱۵ - تلفکس ۳۷۷۴۷۸۲۴

«کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است»

تقدیم بہ پیشگاہ:

پدر عزیز سیدۃ النساء، حضرت محمد ﷺ

و اول شہیدہ راہ ولایت، حضرت فاطمہ علیہا السلام

و مہمسر شہیدش حضرت امیر المؤمنین علی علیہ السلام

و یازده فرزند نورانی آن دو عزیز علیہم السلام

قابل توجه محبان حضرت زهرا علیها السلام

از آنجا که نشر معارف اهل بیت علیهم السلام یکی از راههای تقرب به خدا و اظهار محبت به آن عزیزان خداست، و وصیتهای حضرت زهرا علیها السلام از همان معارف ناب و بسیار ارزشمند و دارای مضامین سیاسی و اخلاقی است و هر مسلمان، خصوصاً هر شیعه ای باید از آن آگاه باشد، بر همه ما لازم است که این سخنان گرانقدر را در حدّ و وسع در سراسر عالم نشر دهیم، تا فریاد مظلومیت آن عزیز را به همه برسانیم. لذا هر کس که بانی خرید و نشر این کتاب گرانقدر (به صورت تعداد) و هدیه آن به مشتاقان باشد، حقیر (مؤلف کتاب) آماده ام با تخفیف زیاد در اختیار وی گذارم. تلفن تماس: ۰۹۱۲۵۵۲۸۹۶۱

- ۸..... مقدمه
- ۱۳..... وصیتهای غیر مالی مکتوب (وصیتنامه):
- ۲۱..... وصیتهای غیر مالی شفاهی:
- ۲۲..... وصیت یکم: ازدواج و تشییع جنازه.
- ۳۰..... وصیت دوم: تشییع جنازه کنندگان، زمان دفن
- ۳۲..... وصیت سوم: زیارت قبرش.....
- ۳۴..... وصیت چهارم: تجهیز، بعد از دفن و فرزندان
- ۳۸..... وصیت پنجم: ازدواج و فرزندان.....
- ۴۲..... وصیت ششم: غسل ایشان
- ۴۴..... وصیت هفتم: فرزندان و تجهیز ایشان
- ۷۹..... وصیتهای مالی:
- ۸۱..... وصیت یکم: حیطان سبعة
- ۸۶..... وصیت دوم: أمّ العیال
- ۸۸..... وصیت سوم: اموال دیگر حضرت
- ۱۰۱..... خاتمه: علت برخی وصیتهای از زبان حضرت

مقدمه:**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

حمد و سپاس خداوند متعال را که پروردگار جهانیان است و سلام و صلوات بر سید و مولای ما، حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهلیت ایشان، خصوصاً حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ و لعنت خداوند بر همه دشمنان ایشان تا روز قیامت.

یکی از اموری که هر مسلمانی باید نسبت به آن اهتمام داشته باشد، وصیت کردن است. اگرچه وصیت مستحب است، ولی گاهی به حد وجوب نیز می رسد و آن جایی است که حق الله و حق الناس بر گردن انسان باشد.

در اهمیت وصیت همین بس که، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هر که وصیت کرده، بمیرد گویا شهید از دنیا رفته است».^۱

^۱ وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۵۲.

و «کسی که وصیت ناکرده از دنیا برود مرگ او چونان مرگ جاهلی است».^۲

نظر به چنین سفارش و تاکیدى که به ویژه نسبت به پرهیزکاران در این باره وارد است: «کُتِبَ عَلَيْكُمْ...
الْوَصِيَّةُ... حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»^۳ و نیز به دلیل عدم اطلاع انسان از زمان مرگ خویش، سزاوار نیست مسلمان بدون وصیت سر بر بالین خواب گذارد.

معصومین عليهم السلام خود نیز در این امر مهم سرآمد بوده اند. از جمله این عزیزان خدا، حضرت فاطمه عليها السلام می باشد که در آخرین روزهای زندگی چندین وصیت داشته و بر هر شیعه ای لازم است، اطلاع اجمالی از این سخنان گهربار داشته باشد.

^۲ وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۵۲.

^۳ سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۰.

و اما آنچه باعث جمع آوری وصیتهای آن حضرت در این مجموعه شد اینک؛ کتابی که به صورت مستقل، جامع این وصایا بوده و در دسترس مشتاقان باشد، یافت نشد.

در این کتاب فقط متن وصایای فردی، سیاسی و مالی

حضرت زهرا علیها السلام که به صورت کتبی و شفاهی به علی علیه السلام وصیت شده است، همراه با ترجمه آورده می شود.

وصیتهایی که تا قیامت، مظلومیت آن پاره تن پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله را فریاد می کند؛ تا انسانهای باوجدان در سراسر عالم

بدانند، در ۷۵ یا ۹۵ روز بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر

سر این امانت الهی چه آوردند، که به ناچار برای روشن

شدن اذهان عمومی چنین وصیتهایی فرمود.

البته شرح و توضیح و تحلیل این وصیتهای اهل آن

واگذار می شود.

در پایان از شما خواننده عزیز درخواست عاجزانه دارم، این وصیتهای را کلمه به کلمه و با دقت مطالعه کرده و علت چنین وصیتهایی را در کتب مربوط به آن عزیز دنبال کنید. در پایان از خداوند عزیز و غفار عاجزانه خواستارم که این سعی قلیل را مورد قبول درگاهش قرار داده، شفاعت آن بانوی بهشتی را شامل حال همه شیعیان و محبین آن عزیز و حقیر سراپا تقصیر بفرماید.

وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ملتمس دعای خیر شما در حیات و ممات

طلبه عشق آل محمد صلی الله علیه و آله «قم»

سید رضا موسی کاظمی نایینی

ربیع الثانی ۱۴۳۷ هـ. ق. بهمن ۱۳۹۴ هـ. ش.

شماره همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۸۹۶۱

آدرس سایت: www.mousakazemi.com

پست الکترونیک: etrat92@ymail.com

شناسنامه حضرت فاطمه علیها السلام

نام: فاطمه علیها السلام - لقب: زهراء علیها السلام - کنیه: أمّ ابیها

پدر: محمد صلی الله علیه و آله - مادر: خدیجه علیها السلام

محل ولادت: مکه معظمه

تاریخ ولادت: ۲۰ جمادی الثانی، سال ۵ بعثت

تاریخ شهادت: ۱۳ جمادی الاول

یا ۳ جمادی الثانی سال ۱۱ هـ.ق.

سن: ۱۸ سال - مرقد مطهر: مدینه النبی

علت شهادت: ضربات و صدمات وارده بر آن حضرت

قاتل: حزب شیطان (لعنة الله علیهم)

وصیت های غیر مالی
(فردی و سیاسی)
مکتوب (وصیتنامه)

وصیت های حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام در آخرین روزهای زندگی به خاطر صدمات و ضرباتی که توسط دشمنان بر ایشان وارد شده بود، دائماً بستری و بر غم از دست دادن پدر و بی یآوری امامش گریان بود؛ ایشان چند نوبت وصایای مهم خود را به صورت مکتوب (وصیتنامه) و غیر مکتوب (شفاهی) به اطلاع همسر عزیزش امیرالمؤمنین علیه السلام رسانده، که به دو دسته غیر مالی (فردی و سیاسی) و مالی تقسیم می شود.

در این مختصر، متن و ترجمه این وصیتها بدون هیچ شرح و توضیحی، جهت اطلاع مسلمانان عالم عموماً و شیعیان جهان خصوصاً خواهد آمد.

۱. وصیت های مکتوب (وصیتنامه)

وصیتنامه حضرت زهرا علیها السلام در باره غسل و کفن و دفن و تشییع

هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام از دنیا رفت،
علی علیه السلام بسیار بی تابی نمود و گریه و زاری
شدیدی کرد. وی امام حسن و امام حسین علیهم السلام را
برداشت و با هم وارد اتاقی شدند که جنازه حضرت
زهرا علیها السلام در آن جا بود؛ امیرالمؤمنین علیه السلام جامه را از
روی حضرت فاطمه علیها السلام عقب کشید، رقعته ای نزد
آن حضرت بود، چون برداشت و قرائت کرد، دید
نوشته است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ

فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

أَوْصَتْ وَهِيَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ

الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ

لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي

الْقُبُورِ .

بنام خداوند بخشاینده مهربان

این وصیتنامه فاطمه دختر رسول خدا

به یگانگی خدا شهادت می دهد و اینکه
است، وصیت کرد و حال اینکه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بنده و رسول خدا است و

اینکه بهشت حق است و دوزخ حق

است و در وجود قیامت شک نیست و

خدا مردگان را مبعوث می کند.

يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ
 زَوَّجَنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ
 غَيْرِي حَنَّنِي وَغَسَّلَنِي وَكَفَّنِي
 بِاللَّيْلِ وَصَلَّ عَلَيَّ وَادْفَنَنِي بِاللَّيْلِ
 وَلَا تُعَلِّمَ أَحَدًا وَأَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ
 وَأَقْرَأُ عَلَى وُلْدِي السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. ٤

صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ

یا علی من فاطمه دختر محمد
هستم که خدا مرا همسر تو قرار داد تا
در دنیا و آخرت با هم باشیم و تو از
دیگران به من شایسته تر هستی ، مرا
شب حنوط کن و غسل بده و کفن کن
و در شب بر من نماز گزار و به خاک
بسپار و به احدی اطلاع نده ، تو را به
خدا می سپارم و به فرزندانم تا روز
قیامت سلام می فرستم .

سفید

وصیت های غیر مالی (فردی و سیاسی) غیر مکتوب (شفاهی)

۲. وصیت های غیر مکتوب (شفاهی)

«وصیت یکم»

وصیت حضرت فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام

در باره ازدواج و تشییع جنازه

حضرت زهرا علیها السلام هنگامی که احساس کرد که مرگش نزدیک شده امیرالمؤمنین علیه السلام را طلبید . وقتی که علی علیه السلام کنار بستر او حاضر شد خطاب به ایشان فرمود : يَا بْنَ عَمِّ إِنَّهُ قَدْ نَعَيْتُ إِلَى نَفْسِي وَإِنِّي لَا أَرَى مَا بِي إِلَّا أَنِّي لَأَحِقَّةٌ بِأَبِي سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ ، أَنَا أُوصِيكَ بِأَشْيَاءَ فِي قَلْبِي .

قالَ لَهَا عَلِيُّ علیه السلام أُوصِينِي بِمَا أَحْبَبْتِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهَا وَأَخْرَجَ مَنْ كَانَ فِي

الْبَيْتِ ثُمَّ قَالَتْ: يَا بْنَ عَمٍّ مَا عَهَدْتَنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً وَلَا خَالَفْتُكَ مُنْذُ عَاشِرَتَنِي.»

ای پسر عمو خبر مرگ به من رسیده و آنگونه که درمی یابم پس از اندک زمانی به پدرم ملحق می شوم ، آنچه را در دل دارم به تو وصیت می کنم .
 علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود : ای دختر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آنچه دوست داری وصیت کن ، آنگاه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ کنار سر حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ نشست و به آنان که در خانه بودند، فرمود بیرون بروند . سپس حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمود : ای پسر عمو از روزی که با من زندگی کردی ، از من دروغ و خیانت ندیدی و هیچگاه با تو مخالفت نمودم .

علی علیه السلام فرمود: نه هرگز، تو آگاهتر، و
 نیکوکارتر و گرامی تر و خوف تو در پیشگاه خدا،
 بیشتر از آنست که تو را به عنوان مخالفت از خویش
 سرزنش کنم، فراق تو برای من بسیار سخت است
 ولی چه باید کرد که چاره ای برای مرگ نیست،
 سوگند به خدا مصیبت رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر من
 تازه کردی و فراق و فقدان تو، بسیار برای من
 بزرگ و دشوار است. « **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** » .
 ما از آن خداییم و بسوی او باز می گردیم .
 از مصیبتی که بسیار جانکاه و جگر سوز و غم آور
 است . در این مصیبتی که تسلیت و آرامش ندارد و
 حادثه جانسوزی است که جبران ناپذیر است .

سپس ساعتی با هم گریه کردند و حضرت علی
علیه السلام سر حضرت فاطمه علیها السلام را به سینه اش چسبانید
و فرمود: « آنچه می خواهی وصیت کن که همانا مرا
آنگونه می یابی که به نیکی به وصیت تو عمل کنم و
امر تو را بر خود مقدم می دارم ». **قالت:**

جَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ يَا بَنَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

ای پسرعمو خداوند به تو جزای خیر عنایت فرماید؛
سپس چنین وصیت کرد:

أُوصِيكَ أَوْلًا:

أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي أَمَامَةَ فَإِنَّهَا
تَكُونُ لِوَلَدِي مِثْلِي فَإِنَّ الرِّجَالَ
لَا بُدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ.

ثُمَّ قَالَتْ:

أُوصِيكَ يَا بَنَ عَمٍّ أَنْ تَتَّخِذَ لِي
نَعْشًا فَقَدْ رَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ صَوْرُوا
صُورَتَهُ.

بعد از من با خواهرزاده ام ، آمامه دختر
زینب ازدواج کن ، پس بدرستیکه او
برای فرزندانم مانند من است ، پس
همانا مردان چاره ای نیست برای ایشان
از زنان. (احتیاج به ازدواج دارند)
سپس فرمود وصیت می کنم تو را؛
ای پسر عمو اینکه برایم تابوتی بساز ،
پس به تحقیق ملائکه را دیدم که تابوت
را برایم توصیف کردند .

ثُمَّ قَالَتْ أَوْصِيكَ أَنْ لَا يَشْهَدَ
 أَحَدٌ جَنَازَتِي مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ
 ظَلَمُونِي وَ أَخَذُوا حَقِّي فَإِنَّهُمْ
 أَعْدَائِي وَ أَعْدَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَا
 أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَ لَا
 مِنْ أَتْبَاعِهِمْ وَ اذْفِنِّي فِي اللَّيْلِ إِذَا
 هَدَّاتِ الْعُيُونُ وَ نَامَتِ الْأَبْصَارُ.^{هـ}

^{هـ} روضة الواعظين و بصيرة المتعظين؛ ج ۱؛ ص ۱۵۱

سپس فرمود :

وصیت می کنم تو را ، اینکه هیچیک از
 کسانی که به من ظلم کردند و حق مرا
 گرفتند بر سر جنازه ام حاضر نباشند ، پس
 همانا ایشان دشمنان من و دشمنان رسول
 خدا صلی الله علیه و آله هستند ، و مبادا هیچیک از آنها بر
 من نماز بخوانند و پیروان آنها نیز حاضر
 نشوند و مرا هنگام شب دفن کن ، و قتیکه
 چشمها در خواب فرو رفته است .

«وصیت دوم»

وصیت حضرت در باره

تشیع جنازه کنندگان، زمان دفن و مخفی ماندن قبرش

از امام صادق علیه السلام روایت شده، که حضرت زهرا به
 علی علیه السلام فرمود:

إِذَا تُوفِّيتُ لَا تُعَلِّمُ أَحَدًا إِلَّا أُمَّ
 سَلَمَةَ وَ أُمَّ أَيْمَنَ وَ فِضَّةَ وَ مِنْ
 الرَّجَالِ ابْنِيَّ وَ الْعَبَّاسَ وَ سَلْمَانَ وَ
 عَمَّارًا وَ الْمُقَدَّادَ وَ أَبَا ذَرٍّ وَ حُذَيْفَةَ
 ... وَ لَا تَدْفِنِي إِلَّا لَيْلًا؛

وَلَا تُعَلِّمُ أَحَدًا قَبْرِي.^۶

وقتی وفات کردم به هیچ کس اطلاع نده؛ مگر امّ سلمه و امّ ایمن و فضّه [از زنان] و از مردان دو فرزندم [حسن و حسین علیهما السلام]، و عبّاس، سلمان، عمّار، مقداد، اباذر و حذیفه ... و مرا دفن نکن مگر در شب و قبر مرا به هیچ کس اطلاع نده.

^۶ دلائل الامامة طبری، ص ۴۴؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۱۰.

«وصیت سوم»

وصیت حضرت به علی علیه السلام در باره زیارت قبرش

او در لحظه های واپسین زندگی به امیرمؤمنان

علی علیه السلام فرمود: يَا أَبَا الْحَسَنِ لَمْ يَبْقَ لِي

إِلَّا رَمَقٌ مِنَ الْحَيَاةِ وَحَانَ زَمَانُ

الرَّحِيلِ وَالْوَدَاعِ فَاسْتَمِعْ كَلَامِي

فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ بَعْدَ ذَلِكَ صَوْتِ

فَاطِمَةَ أَبَدًا أَوْصِيكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنْ

لَا تَسْأَلَنِي وَتَزُورَنِي بَعْدَ مَمَاتِي.

ای ابالحسن! برای من لحظه ای بیش از
زندگانی نمانده است و زمان کوچ و
خداحافظی فرارسیده است. سخنان مرا
بشنو؛ زیرا پس از این صدای فاطمه را
هرگز نخواهی شنید. ای ابالحسن! تو را
وصیت می کنم که مرا فراموش نکنی و
پس از وفاتم همواره مرا زیارت کنی.^۷

^۷ کتاب زهرة الرياض کوکب الدرّی، ج ۱، ص ۲۵۳.

«وصیت چهارم»

وصیت حضرت فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام در باره
تجهیز و بعد از دفن و سفارش نسبت به فرزندان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ
عليها السلام لَمَّا احْتَضَرَتْ أَوْصَتْ عَلِيًّا عليه السلام فَقَالَتْ:

إِذَا أَنَا مِتُّ فَتَوَلَّ أَنْتَ غُسْلِي وَ
جَهْزِنِي وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ أَنْزِلْنِي
قَبْرِي وَ أَلْحِدْنِي وَ سَوِّ التُّرَابَ عَلَيَّ

امام صادق علیه السلام از پدرانش روایت کرده است؛ حضرت فاطمه علیها السلام هنگام احتضار به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت کرد که:

وقتی از دنیا رفتم، خودت مرا غسل بده و کفن کن و نماز بر جنازه ام بخوان و در قبر بگذار و لحد مرا بچین و خاک بر قبرم بریز؛

وَ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِي قُبَالَةَ وَجْهِي
فَأَكْثِرْ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ الدُّعَاءِ
فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى
أَنْسِ الْأَحْيَاءِ وَ أَنَا أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ
تَعَالَى وَ أُوصِيكَ فِي وُلْدِي خَيْرًا ثُمَّ
ضَمَّتْ إِلَيْهَا أُمَّ كُثُومٍ فَقَالَتْ لَهُ : إِذَا بَلَغَتْ
فَلَهَا مَا فِي الْمَنْزِلِ ثُمَّ اللَّهُ لَهَا.^٨

^٨ بحار الأنوار؛ ج ٧٩؛ ص ٢٧

و سپس بالای سر، مقابل صورتم بنشین و بسیار قرآن بخوان و دعا کن، زیرا آن هنگام ساعتی است که میت به اُنس با زنده ها نیاز دارد و من تو را به خدا می سپارم و وصیت می کنم که با فرزندانم به نیکی رفتار کنی. سپس دخترش ام کلثوم را به سینه اش چسبانید و به علی علیه السلام فرمود: وقتی که این دختر به حدّ بلوغ رسید، اثاثیه خانه از آن او باشد و خداوند پشتیبان او باشد .

«وصیت پنجم»

وصیت حضرت فاطمه در باره

ازدواج علی علیه السلام و سفارش نسبت به فرزندان

يَا بَنَ عَمِّ إِنِّي أَجِدُ الْمَوْتَ الَّذِي
لَا بَدَّ وَلَا مَحِيصَ عَنْهُ وَأَنَا أَعْلَمُ
أَنَّكَ بَعْدِي لَا تَصْبِرُ عَلَيَّ قِلَّةَ
التَّزْوِيجِ فَإِنَّ أَنْتَ تَزَوَّجْتَ امْرَأَةً
إِجْعَلْ لَهَا يَوْمًا وَكَلِيلَةً وَاجْعَلْ
لِلْأَوْلَادِ يَوْمًا وَكَلِيلَةً؛

ای پسر عمو همانا من، مرگ را که
چاره‌ای از آن نیست می یابم و می دانم
که بعد از من باید ازدواج کنی، پس
اگر ازدواج کردی برای همسرت شبانه
روزی را قراردهی و برای فرزندانم نیز
شبانه روزی را قرار بده.

يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ لَا تُصِحِّحْ فِي
 وَجْهِهِمَا فَيُصْبِحَانِ يَتِيمَيْنِ غَرِيبَيْنِ
 مُنْكَسِرَيْنِ فَإِنَّهُمَا بِالْأَمْسِ فَقَدَا
 جَدَّهُمَا وَالْيَوْمَ يَفْقِدَانِ أُمَّهُمَا
 فَالْوَيْلُ لِأُمَّةٍ تَقْتُلُهُمَا وَتَبْغِضُهُمَا.^۹

^۹ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۸.

ای ابوالحسن بر فرزندانم فریاد نرنی،
چرا که آنها یتیم و غریب و شکسته دل
خواهند شد. پس همانا آنها دیروز
جدشان را از دست دادند و امروز
مادرشان را از دست می دهند، پس وای
بر امتی که آنها را بکشند و نسبت به آن
بغض بورزند.

«وصیت ششم»

وصیت حضرت فاطمه علیها السلام به أسماء

در باره غسل ایشان

قالت:

يا أسماء إذا أنا مت فَاغْسِلْنِي

أنتِ وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلاموَلَا تَدْخِلْنِي عَلَيَّ أَحَدًا.^{۱۰}^{۱۰} عوالم العلوم؛ ج ۱۱، ص ۱۰۵۷

حضرت فاطمه علیها السلام به اسما فرمود:
ای اسما! وقتی من از دنیا رفتم تو
و علی علیه السلام مرا غسل دهید و هیچ
کس را در کنار جنازه من راه ندهید.

«وصیت هفتم»

وصیت حضرت فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام

در باره فرزندان و تجهیز حضرت

عن التبر المذاب^{۱۱}، ذکر فی کتاب العقائد هذا الخبر، فمحصله:

إِنَّهُ لَمَّا اشْتَدَّ الْمَرَضُ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ «عَلَيْهَا السَّلَامُ»
 دَخَلَ عَلِيٌّ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» وَ عِنْدَهَا وَ لَدَاهَا وَ
 تَحْتَ رَأْسِهَا مُخَدَّةٌ مِنْ جِلْدِ كَبْشٍ وَ فِرَاشُهَا
 مِنْ وَبَرٍ جَمَلٍ وَ لِسَانُهَا، لَا تَفْتُرُ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهَا.

^{۱۱} البته این وصیت غیر مشهور بوده و در کتب روایی معروف نیامده است.

از کتاب تبر المذاب خبری نقل شده است که:

بیماری سیده خانمها - حضرت فاطمه

علیه السلام - شدت یافت، علی علیه السلام وارد (خانه)

شد و دو فرزندش (امام حسن و امام حسین علیهما السلام)

نزد او بودند؛ در حالی که زیر سر آن

حضرت بالشتی از پوست گوسفند و

بسترش از پشم شتر بود و زبانش از ذکر

پروردگارش آرام نمی گرفت.

فَقَالَتْ:

يَا ابْنَ عَمِّي وَ يَا بَابَ مَدِينَةِ عِلْمِ
النَّبِيِّ وَ يَا زَوْجِي فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ وَ يَا صَاحِبَ السُّلَالَةِ
الطَّاهِرَةِ، أُوصِيكَ مِنْ بَعْدِي بِحِفْظِ
هَذَيْنِ الْوَالِدَيْنِ، فَهَمَا قُرَّتَا عَيْنِ
الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ
كَفَاهُمَا مَا لَقِيَاهُ مِنْ فِرَاقِ جَدِّهِمَا

پس عرض کرد: ای پسرعمویم و ای در
 شهر علم پیامبر، و ای همسرم در دنیا و
 آخرت، و ای صاحب سُلالة پاک؛ به
 تو وصیت می کنم: نسبت به این دو
 فرزندم (حسن و حسین علیهما السلام) که آن دو
 نور چشم رسول صلی الله علیه و آله بوده و برای ایشان
 بس است، آنچه که به آن رسیده اند از
 فراق جدشان؛

وَ عَنِ قَرِيبٍ يَفْقِدَانِ أُمَّهُمَا، وَ لَا
 تَمْنَعُهُمَا مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِي فَإِنَّ قَلْبِي
 مَعَهُمَا. ثُمَّ اعْلَمْ يَا ابْنَ عَمِّي:

إِنِّي رَاضِيَةٌ عَنْكَ، فَهَلْ أَنْتَ رَاضٍ
 عَنِّي؟ خَدَمْتُكَ بِقَدْرِ جُهْدِي وَ
 طَاقَتِي وَ أَعْتَمْتُكَ عَلَى دُنْيَاكَ مِقْدَارَ
 قُوَّتِي؛ طَحَنْتُ الشَّعِيرَ بِالنَّهَارِ،

و بزودی مادرشان را هم از دست می دهند و آن دو را از زیارت قبرم ممانعت نکن، زیرا که قلب من با آن دو است.

سپس بدان ای پسر عمویم، قطعاً من از تو راضیم، آیا تو هم از من راضی هستی؟ تا توانستم به اندازه توانم به تو خدمت کردم و به اندازه نیرو و قوتم تو را نسبت به امور دنیایی ات یاری کردم، هنگام روز جو آرد کردم،

وَ اسْتَقَيْتُ بِالْقُرْبَةِ بِاللَّيْلِ، وَ بَعْدَ
ذَلِكَ فَإِنِّي أَعْتَرَفُ بِالتَّقْصِيرِ فِي
حَقِّكَ فَسَامِحْنِي، فَإِنَّ أَمَامَنَا عَقَبَةٌ
لَا يَقْطَعُهَا إِلَّا الْمُحِقُّونَ (الْمُخَفَّفُونَ).

فَبَكَى عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ: يَا بِنْتَ
الْمُصْطَفَى وَ يَا سَيِّدَةَ النِّسَاءِ، رُوحِي
لِرُوحِكَ الْفِدَاءُ يَا بِنْتَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَ مَنْ
أُرْسِلَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. فَلَمَّا عَرَفَتِ الرِّضَا
مِنَ الْمُرْتَضَى قَالَتْ:

و شبانگاه با مشک آب کشیدم و بعد از این همه، به کوتاهی در حق تو اعتراف می کنم. پس قطعاً در پیش روی ما گردنه ای است که جز سبکباران آن را طی نمی کنند.

در این هنگام علی علیه السلام گریه کرد و فرمود: ای دختر مصطفی و ای خانم زنان، جان من فدای جان تو باد. ای دختر بشارت دهنده و بیم دهنده و کسی که به عنوان رحمتی برای جهانیان فرستاده شد.

پس هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام از خشنودی حضرت مرتضی علیه السلام آگاه شد، عرض کرد:

إِذَا فَرَغْتَ مِنْ أَمْرِي وَ وَضَعْتَنِي
فِي قَبْرِي، فَخُذْ تِلْكَ الْقَارُورَةَ وَ
الْحُقَّةَ وَ ضَعُهُمَا فِي لَحْدِي.

فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَيِّدَةَ النِّسَاءِ! مَا
الَّذِي فِي هَذِهِ الْقَارُورَةِ؟

قَالَتْ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنِّي سَمِعْتُ
أَبِي يَقُولُ: «إِنَّ الدَّمْعَةَ تُطْفِئُ
غَضَبَ الرَّبِّ؛»

هنگامی که از امر (تجهیز) من فارغ
شدی و مرا داخل قبر گذاشتی، پس آن
شیشه و بسته را بگیر و در قبرم بگذار؛
علی علیه السلام فرمود: چه چیزی داخل این
شیشه است؟

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: ای ابالحسن،
از پدرم شنیدم که می فرمود: : اشک ،
خشم خداوند را خاموش می کند.

وَ إِنَّ الْقَبْرَ لَا يَكُونُ رَوْضَةً مِنْ
 رِيَاضِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يُكُونَ الْعَبْدُ قَدْ
 بَكَى مِنْ خِيفَةِ اللَّهِ، وَ قَدْ عَلِمَ
 الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ إِنِّي بَكَيْتُ خَوْفًا
 بِهَذِهِ الدَّمْعِ الَّتِي فِي الْقَارُورَةِ عِنْدَ
 الْأَسْحَارِ وَ جَعَلْتُهَا ذَخِيرَةً فِي
 قَبْرِي، أَجِدُهَا يَوْمَ حَشْرِي.

و همانا قبر باغی از باغهای بهشت
نخواهد بود، مگر اینکه بنده از خوف
خدا گریه کند و خداوند عزیز و جبار
می داند که من با این اشکها که در
شیشه است، در سحرگاهان از خوف
خدا گریه کردم و ذخیره قبرم قرار دادم
تا روز حشرم آن را بیابم.

فَبَكَى عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَعَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا
 السَّلَامُ تَأْخُذُ مِنْ دُمُوعِهِ وَ تَمْسَحُ بِهِ وَجْهَهَا،
 ثُمَّ قَالَتْ:

يَا أَبَا الْحَسَنِ، لَوْ بَكَى مَحْزُونٌ فِي
 أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
 لَرَحِمَ اللَّهُ تَعَالَى تِلْكَ الْأُمَّةَ، وَ إِنَّكَ
 لَمَحْزُونٌ - يَا ابْنَ عَمِّي - لِفِرَاقِي؛

پس حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گریست ،
حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ از اشکهای آن
حضرت گرفته وبر چهره خود کشیده
و گفت : ای ابالحسن ! اگر غمگینی در
بین امت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ گریه کند،
خداوند آن امت را مورد رحم و
بخشش خود قرار می دهد. و تو
غمگینی در فراق من ای پسر عمو !

وَ دَمْعَةُ الْمَحْزُونِ إِذَا وَقَعَتْ عَلَى
 الْأُمَّةِ خَصَّهَا اللَّهُ بِالرَّحْمَةِ، فَكَيْفَ
 إِذَا وَقَعَتْ عَلَى أُمَّةٍ، وَقَدْ مَسَحَتْ
 وَجْهِي بِهَا طَمَعًا لِلرَّحْمَةِ، فَإِنِّي أُمَّةُ
 اللَّهِ وَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَخَذْتُ
 بِالْبُكَاءِ.

فَبَكَى الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

و اشک محزون هنگامی که بر امتی
 واقع شود، خداوند آن امت را
 مخصوص به رحمتش قرار می دهد و
 من اشک چشم تو را به صورت می
 کشم تا مشمول رحمت خدا شوم. من
 کنیز خدا و دختر رسول خدا صَلَّى اللهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ
 هستم. و در این هنگام حضرت فاطمه عَلَيْهَا
 السَّلَام
 شروع به گریه کرد و حسن و حسین عَلَيْهِمَا
 السَّلَام
 هم گریه کردند.

ثُمَّ سَأَلَهَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا فِي هَذِهِ الْحَقَّةِ
 فَفَتَحَهَا فَإِذَا فِيهَا حَرِيرَةٌ خَضْرَاءُ وَفِي
 الْحَرِيرَةِ وَرَقَةٌ بَيْضَاءُ فِيهَا أُسْطُرٌ مَكْتُوبَةٌ
 وَالنُّورُ يَلْمَعُ.

قَالَتْ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، لَمَّا زَوَّجَنِي
 مِنْكَ أَبِي، كَانَ عِنْدِي فِي لَيْلِ
 الزَّوْاجِ قَمِيصَانِ: أَحَدُهُمَا جَدِيدٌ وَ
 الْآخَرَ عَتِيقٌ مُرَقَّعٌ.

سپس حضرت علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیها السلام

سؤال کرد: چه چیزی در این بسته است؟

پس علی علیه السلام آن را باز کرد؛ در آن حریری سبز رنگ بود و در آن حریر سبز، ورقه سفیدی بود، که در آن چند سطر نوشته شده بود و نور از آن درخشش داشت.

عرض کرد: ای ابوالحسن، وقتی پدرم مرا به شما تزویج کرد، در شب ازدواج من دو جامه داشتم که یکی نو و دیگری کهنه بود.

فَبَيْنَمَا أَنَا عَلَى سَجَادَةٍ إِذْ طَرَّقَ الْبَابَ سَائِلٌ وَقَالَ:

يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الْخَيْرِ وَ الْفِتْوَةِ
جَرَتْ الْعَادَةُ فِي النَّاسِ يَقْصِدُونَ بُيُوتَ
الْأَعْرَاسِ لِأَنَّهَا لَا تَخْلُوا مِنَ الطَّعَامِ لِمَنْ
حَضَرَ مِنَ الْخَاصِّ وَ الْعَامِّ وَ إِنْ كَانَ عِنْدَكُمْ
قَمِيصٌ خَلَقْتُ فَإِنِّي بِهِ جَدِيرٌ لِأَنِّي رَجُلٌ فَقِيرٌ
يَا أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ فَقِيرُكُمْ عَارِي الْجَسَدِ.

و در شب زفاف بر سجادهٔ عبادت خود
نشسته بودم که ناگاه سائلی در زد و
گفت:

ای اهل بیت نبوت و منبع خیر و جوانمردی؛ در بین
مردم مرسوم است که شب عروسی به در خانه های
عروس ها می روند، چون در آن خانه ها برای هر
کسی که از عام و خاص (از مردم) حاضر باشد، غذا
حاضر است. اگر جامهٔ کهنهٔ دارید من به آن سزاوارم،
چون فقیرم. ای اهل بیت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فقیرِ شما برهنه
است.

فَعَمَدَتْ إِلَى الْقَمِيصِ الْجَدِيدِ
 فَدَفَعَتْهُ إِلَيْهِ وَ لَبَسَتْ الْقَمِيصَ
 الْخَلْقَ. قَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ! فَلَمَّا
 أَصْبَحْتُ عِنْدَكَ بِالْقَمِيصِ الْخَلْقِ
 دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيَّ فَقَالَ يَا
 بُنَيَّةُ أَلَيْسَ قَدْ كَانَ لَكَ الْقَمِيصُ الْجَدِيدُ
 فَلِمَ لَا تَلْبَسِيهِ؟

فَقُلْتُ: يَا أَبَتِ تَصَدَّقْتُهَا لِسَائِلٍ

پس قصد کرد لباس نو را، پس من آن
جامه نو را به او دادم و خودم لباس کهنه
را پوشیدم. ای ابا الحسن نزد تو بودم تا
اینکه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نزد من آمد و
فرمود: فرزندانم، تو جامه نو داشتی، چرا
نپوشیدی؟

عرض کردم: پدر جان به سائلی صدقه
دادم.

فَقَالَ نَعَمْ مَا فَعَلْتَ وَ لَوْ لَبَسْتَ
 الْجَدِيدَ لِأَجْلِ بَعْلِكَ وَ تَصَدَّقْتَ بِالْعَيْتِ
 لَحَصَلَ لَكَ بِالْحَالَيْنِ التَّوْفِيقُ. قُلْتُ: يَا
 رَسُولَ اللَّهِ بِكَ اهْتَدَيْنَا وَ اقْتَدَيْنَا
 إِنَّكَ لَمَّا تَزَوَّجْتَ بِأُمِّي خَدِيجَةَ وَ
 أَنْفَقْتَ جَمِيعَ مَا أُعْطَيْتَ فِي طَاعَةِ
 الْمَوْلَى حَتَّى أَفْضَتَ بِكَ الْحَالُ إِنَّ
 وَقَفَ بِيَابِكَ بَعْضُ السَّائِلِينَ.

پدرم در جواب فرمود: چه خوب کاری کردی؛ ولی اگر نو را برای شوهرت می پوشیدی و جامه کهنه را می دادی در هر دو صورت برای تو توفیق حاصل بود. من عرض کردم: ای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، به واسطه شما هدایت یافتیم و در این عمل اقتدا به شما کردیم.

هنگامی که شما با مادرم خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ ازدواج کردی و همه آنچه را که به شما داد در راه اطاعت از خدا انفاق کردی تا اینکه سائلی در خانه آمد؛

فَأَعْطَيْتَهُ قَمِيصَكَ وَالتَّحَفَتَ
 بِالْحَصِيرِ حَتَّى نَزَلَ جِبْرَائِيلُ بِهِذِهِ
 الْآيَةَ: « وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ
 فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا ».^{۱۲}

فَبَكَى النَّبِيَّ ﷺ ثُمَّ ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ
 فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَقْرُوكَ السَّلَامَ
 وَ يَقُولُ لَكَ اقْرَأْ عَلَي فَاطِمَةَ السَّلَامَ

^{۱۲} سورة الإسراء: الآية ۲۹.

و شما پیراهن خود را به سائل دادی و
خود را به حصیر پوشاندی؛ تا اینکه حضرت
جبرئیل این آیه را آورد:

« ویش از حد دست خود را مگشا تا مورد
سرزنش قرار گیری و تهدست بنشینی»

پس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ گریست و مرا به سینه
خود چسبانید، پس آنگاه جبرئیل نازل شد و
عرض کرد: خداوند به تو سلام می‌رساند، و
می‌گوید به فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ سلام برسان،

وَقُلْ لَهَا تَطْلُبُ مَا شَاءَتْ وَ لَوْ طَلَبَتْ مَا
فِي الْخَضِرَاءِ وَالْغُبْرَاءِ وَ بَشَّرَهَا إِنِّي أَحِبُّهَا.

فَقَالَ لِي بُنَيَّةٌ أَنَّ رَبَّكَ يُسَلِّمُ عَلَيْكَ وَ يَقُولُ
لَكَ أَطْلُبِي مَا شِئْتِ.

فَقُلْتُ: يَا أَبَتَاهُ قَدْ شَغَلَنِي لَذَّةُ
خِدْمَتِهِ عَنْ مَسْأَلَتِهِ لَا حَاجَةَ لِي
غَيْرُ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِهِ الْكَرِيمِ فِي
دَارِ السَّلَامِ.

و بگو هر چه می خواهد بخواهد، از آن چه در خضراء و
غبراء است [کنایه از این که هر چه بخواهد من به او
عطا می کنم] و به او بشارت بده که دوستش دارم. پس
پدرم به من فرمود: فرزندم، همانا پروردگارت بر تو
سلام می کند و به تو می گوید: هر چه می خواهی،
درخواست کن. پس من عرض کردم: پدر
جان، لذت خدمت به خدا مرا از
درخواستِ حاجت بی نیاز نموده است.
و تنها حاجتم نظر به وجه بزرگوار او در
دار السلام است.

فَقَالَ: يَا بُنَيَّةُ ارْفَعِي يَدَيْكَ؛

فَرَفَعْتُ يَدَيَّ وَرَفَعَ يَدَيْهِ

وَ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَأُمَّتِي

وَ أَنَا أَقُولُ: آمِينَ.

فَجَاءَ جَبْرَائِيلُ بِرِسَالَةٍ مِنَ الْجَلِيلِ قَدْ

غَفَرْتُ لِعُصَاةِ أُمَّتِكَ مِمَّنْ فِي قَلْبِهِ مَحَبَّةٌ

فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلَهَا وَ بَنِيهَا عليها السلام.

پس پدرم فرمود: فرزندانم، دستهای را بلند
 کن! چون دستهایم را بلند کردم، ایشان
 نیز دستهای خود را بلند کرد و فرمود:
 «پروردگارا امتم را پیامرز» و من نیز آمین
 گفتم. آنگاه جبرئیل نامه ای از خداوند
 جلیل آورد که خداوند فرموده: گناهان
 گنهکاران از امت تو را آمرزیدم؛ آنانکه در
 قلبشان محبت به فاطمه علیها السلام و پدرش و
 شوهرش و فرزندانش علیهم السلام داشته باشند.

فَقَالَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أُرِيدُ بِذَلِكَ سِجْلًا فَأَمَرَ اللَّهَ
 جَبْرَائِيلَ أَنْ يَأْخُذَ سِنْدَسَةً خَضْرَاءَ وَ
 سِنْدَسَةً بَيْضَاءَ وَ كَانَ فِيهِمَا: «كَتَبَ رَبُّكُمْ
 عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» وَ شَهِدَ جَبْرَائِيلُ وَ
 مِيكَائِيلُ وَ شَهِدَ الرَّسُولُ وَ قَالَ يَا بُنَيَّةُ
 يَكُونُ هَذَا الْكِتَابُ فِي هَذِهِ الْحَقَّةِ فَإِذَا
 كَانَ يَوْمٌ وَفَاتِكَ فَعَلَيْكَ بِالْوَصِيَّةِ أَنْ
 يُوَضَعَ فِي لِحْدِكَ؛

پس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: در این باره نوشته ای می خواهم. در این حال خداوند به جبرئیل امر کرد که بگیرد حریر سبز و حریر سفیدی را که در آن (نوشته شده): «پرودگارتان بر خودش مقرر کرد رحمت را». و جبرئیل و میکائیل و پدرم شاهد شدند و پدرم به من فرمود: فرزندم، این نوشته در این ظرف است. هنگامی که وفات تو فرا رسید، وصیت کن که در قبرت گذاشته شود.

فَإِذَا قَامَ النَّاسُ فِي الْقِيَامَةِ وَ انْقَطَعَ
 الْمُذْنِبُونَ وَ سَحِبَتْهُمُ الزَّبَانِيَةُ إِلَى النَّارِ
 فَسَلِّمِي الْوَدِيعَةَ إِلَيَّ حَتَّى أَطْلُبَ مَا أَنْعَمَ
 اللَّهُ عَلَيَّ وَ عَلَيْكَ فَأَنْتِ وَ أَبُوكَ رَحْمَةٌ
 لِلْعَالَمِينَ.^{١٣}

^{١٣} الكوكب الدرّي: ج ١ ص ٢٥١، عن التبر المذاب، الموسوعة الكبرى عن

فاطمة الزهراء، ج ١٥، ص: ١١٤

پس هنگامی که مردم در قیامت قیام
کردند و گنهکاران قطع امید کردند و
مأموران دوزخ آنها را به سوی آتش می
کشند، پس امانت را به من برگردان تا طلب
کنم آنچه را که خداوند بر من و تو ارزانی
کرده است طلب کنم، پس تو و پدرت
رحمتی برای جهانیان هستید.

سفید

وصیت های مالی

(ب) وصیت های مالی

چقدر خوب است، که انسان مؤمن برای زندگی آخرت خویش پس اندازی داشته باشد و باقیات الصالحاتی باقی گذاشته تا ثواب آن بعد از مرگ هم به حسابش واریز شده و در این سفر بی پایان به عنوان زاد و توشه از آن بهره گیرد.

حضرت فاطمه علیها السلام در روزهای پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، در مورد اموال موقوفه و شخصی خویش وصایایی داشت و بسیاری از اموالی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله دریافت کرده بود، وقف کرد. در اینجا سه وصیت، از وصیتهای مالی آن حضرت ذکر می شود.

«وصیت اول»

وصیت حضرت فاطمه علیها السلام در باره حیطان سبعة.^{۱۴}

محمد بن یعقوب بن علی بن ابراهیم از پدرش از

ابن ابی نجران از عاصم بن حمید از ابی بصیر نقل

می کند که گفت :

^{۱۴} حیطان سبعة: باغ های هفت گانه ای بود که اطراف آن دیوار

کشیده شده بود. در تاریخ آمده است که مخیرق یهودی از احبار یهود

بنی نضیر بود که اسلام آورد و در جنگ احد شهید شد. او هفت

بوستان و باغش را برای پیامبر صلی الله علیه و آله وصیت کرد که عبارت بودند از

دلال، برقه، صافیه، مشیب، مشربه ام ابراهیم، اعواف، حسنی.

پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هفتم هجری آنها را وقف نمود و مخصوص

حضرت فاطمه علیها السلام قرار داد. حضرت زهرا علیها السلام هنگام وفات، آن

باغها و تمام درآمد آنها را به علی علیه السلام بخشید.

امام باقر علیه السلام به من فرمود: آیا وصیت حضرت فاطمه علیها السلام را برایت بخوانم؟ گفتم: آری. پس جعبه یا سبد کوچکی را آورد و نوشته ای را از آن خارج کرد و آن را خواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ
 مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله. أَوْصَتْ بِحَوَائِطِهَا
 السَّبْعَةِ: الْعَوَافِ وَالذَّلَالِ وَالْبُرْقَةِ
 وَالْمَثِيبِ وَالْحُسْنَى وَالصَّافِيَةَ وَمَا لِمُ
 إِبْرَاهِيمَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام

بنام خداوند بخشاینده مهربان

صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ

این وصیتی است که دختر پیامبر

فاطمه به آن وصیت نموده است .

وصیت کرد به باغهای هفتگانه که

عبارتند از : ۱ - عَوَاف - ۲ - دلال ۳ -

بُرْقَه ۴ - مَثِيب ۵ - حُسْنِي ۶ - صَافِيَه

۷ - مَشْرَبَه اُمِّ اِبْرَاهِيْم (تا وقف باشند)

عَلَيْهِ

و تولیت آن را به امیرالمؤمنین

واگذار نمودم.

فَإِنْ مَضَى عَلِيٌّ فَأِلَى الْحَسَنِ ،
 فَإِنْ مَضَى الْحَسَنُ فَأِلَى الْحُسَيْنِ ،
 فَإِنْ مَضَى الْحُسَيْنُ فَأِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ
 وَوَلَدِي شَهِدَ اللَّهُ عَلَيَّ ذَلِكَ
 وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَالزُّبَيْرُ بْنُ
 الْعَوَّامِ وَكَتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ^{۱۵} .

^{۱۵} کافی، شیخ کلینی، ج ۷، ص ۴۸، حدیث ۵؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۵.

و پس از وفاتِ علی علیه السلام وصیت
می کنم به فرزندم حسن علیه السلام و پس از
او به حسین علیه السلام و پس از او به
بزرگترین فرزندانم - فرزندان ارشد - و
خداوند بر این وصیت گواه است و
همچنین مقداد و زبیر گواهی می دهند و
این وصیت را علی بن ابی طالب علیه السلام
نوشت .

«وصیت دوم»

وصیت حضرت فاطمه علیها السلام در باره أم العیال^{۱۶}

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، أم العیال را نیز
وقف فقرا و سادات کرد.

أم العیال، بیست هزار نخل داشت و
میوه هایی چون لیمو و پرتقال و ... در آن
کشت می شد. در کتاب های عامه و
خاصه در باره این موقوفه حضرت چنین
آمده است:

^{۱۶} چشمه ای است که به برکت آن روستایی بزرگ در کنارش ساخته شد. این روستا
در ۱۷۰ کیلومتری مدینه منوره و ۵۶ کیلومتری شرق «سقیاء» قرار دارد.

«أُمُّ الْعِيَالِ صَدَقَةُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»

ام العیال صدقه فاطمه دختر رسول خداست. حضرت فاطمه علیها السلام برای آن هم وصیت نامه خاصی نوشت؛ زیرا این منطقه از اهمیت والایی برخوردار بود. اُمُّ الْعِيَالِ امروز هم دارای چشمه های پر آب و سرشار است و از مناطق سرسبز و بیلاقی به شمار می رود.^{۱۷}

^{۱۷} معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، ج ۶، ص ۱۹۴.

«وصیت سوم»

وصیتنامه مالی دیگری از حضرت فاطمه علیها السلام

عن ابي جعفر عليه السلام قال:

إن فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله كتبت هذا الكتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا ما كتبت فاطمة بنت محمد في

مالها إن حدث بها حادثٌ تصدقت

بثمانين أوقية^{۱۸}

^{۱۸} اوقية، واحد پول است و هر اوقية چهل درهم است.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

همانا حضرت فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا
صلی الله علیه و آله این نوشته را نوشت.

به نام خداوند بخشاینده مهربان

این است آنچه که فاطمه علیها السلام دختر
 رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره مالش نوشت؛
 وقتی که در باره وی اتفاقی افتاد؛ (از دنیا
 رفت) صدقه می دهد هشتاد اوقیه را؛

تَنْفِقُ عَنْهَا مِنْ ثَمَارِهَا الَّتِي لَهَا كُلَّ
عَامٍ فِي كُلِّ رَجَبٍ بَعْدَ نَفَقَةِ السَّقِيِّ وَ
نَفَقَةِ الْمَغَلِ [الْعَمَلِ] وَ أَنَّهَا أَنْفَقَتْ
أَثْمَارَهَا الْعَامَ وَ أَثْمَارَ الْقَمْحِ عَامًا قَابِلًا
فِي أَوَانٍ غَلَّتِهَا وَ أَنَّهَا أَمَرَتْ لِنِسَاءِ
مُحَمَّدٍ أَبِيهَا خَمْسَ [خَمْسًا] وَ أَرْبَعِينَ
أَوْقِيَّةً وَ أَمَرَتْ لِفُقَرَاءِ بَنِي هَاشِمٍ وَ بَنِي
عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بِخَمْسِينَ أَوْقِيَّةً.

انفاق می کند آن را از میوه هایش که
 برای آنست هر سال در ماه رجب بعد
 از (کسر) هزینه آبیاری و هزینه کار و اینکه
 او انفاق کرد میوه های امسال را و ثمرات
 خوشه ها را در سال آینده در هنگام بدست
 آوردن درآمد آن و اینکه امر کرد نسبت به
 (انفاق به) زنان پدرش، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 چهل و پنج اوقیه و امر کرد نسبت به فقیران
 بنی هاشم و بنی عبدالمطلب پنجاه اوقیه؛

كَتَبَتْ فِي أَصْلِ مَالِهَا فِي الْمَدِينَةِ أَنَّ
 عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَهَا أَنْ تُؤَلِّيَهُ مَالَهَا فَيَجْمَعَ
 مَالَهَا إِلَى مَا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 تُفَرِّقَ وَتَلِيَهُ [يَلِيهِ] مَا دَامَ حَيًّا فَإِذَا
 حَدَثَ بِهِ حَدِيثٌ دَفَعَهُ إِلَى ابْنِي
 الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَيَلِيَانِهِ وَإِنِّي
 دَفَعْتُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛

نوشت در باره اصل مالش در مدینه، اینکه
 علی علیه السلام درخواست کرد از او، تولیت
 مالش را بعهده بگیرد، پس مال حضرت
 زهرا علیها السلام را با مال رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع
 کند، سپس جدایی نیندازد و بعهده بگیرد
 مادامی که زنده است، پس اگر برای او
 اتفاقی افتاد، آن (اموال) را به دو پسرانم
 حسن و حسین علیهما السلام پردازد، و تولیت آن را
 بعهده می گیرند و من به علی بن ابیطالب علیه السلام
 پرداختم،

عَلَيَّ أَنِّي أَحَلَّلُهُ فِيهِ فَيَدْفَعُ مَالِي وَ مَالِ
 مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لَا يُفَرِّقُ مِنْهُ شَيْئًا يَقْضِي
 عَنِّي مِنْ أَثْمَارِ الْمَالِ مَا أَمَرْتُ بِهِ وَ مَا
 تَصَدَّقْتُ بِهِ فَإِذَا قَضَى اللَّهُ صَدَقَتَهَا وَ
 مَا أَمَرْتُ بِهِ فَالْأَمْرُ بِيَدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ
 بِيَدِ عَلِيٍّ يَتَصَدَّقُ وَ يُنْفِقُ حَيْثُ شَاءَ لَا
 حَرَجَ عَلَيْهِ فَإِذَا حَدَّثَ بِهِ حَدَّثَ دَفَعَهُ
 إِلَى ابْنِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ؛

بنابر اینکه من اجازه می دهم به او در مورد
 (اموال) پردازد مال من و مال محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را؛
 جدایی نمی اندازد از آن چیزی را، از طرف من
 حکم می کند در باره ثمرات مال، آنچه را امر
 کردم به آن و آنچه را صدقه دادم، پس هنگامی
 که حکم کرد خدا صدقه او را و آنچه را امر
 کردم به آن، پس کار دست خداوند تعالی است
 و به دست علی عَلِيٍّ، هر گونه خواست صدقه
 می دهد و انفاق می کند، سختی بر او نیست،
 پس هنگامی که اتفاقی برای او افتاد به دو پسر
 حسن و حسین عَلَيْهِمَا می پردازد آن را؛

الْمَالَ جَمِيعاً مَالِي وَ مَالَ مُحَمَّدٍ ﷺ
 فَيُنْفِقَانِ وَ يَتَصَدَّقَانِ حَيْثُ شَاءَا وَ لَا
 حَرَجَ عَلَيْهِمَا وَ إِنِّ لَابْنَةُ جُنْدَبٍ يَعْنِي
 بِنْتَ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ التَّابُوتِ الْأَصْغَرَ
 وَ يُعْطِيهَا فِي الْمَالِ مَا كَانَ وَ نَعْلِي
 الْأَدَمِيِّينَ وَ النَّمَطَ وَ الْجُبَّ وَ السَّرِيرَ وَ
 الزَّرِيْبَةَ وَ الْقَطِيفَتَيْنِ وَ إِنِّ حَدَثَ بَأْحَدٍ
 مِمَّنْ أَوْصَيْتُ لَهُ قَبْلَ أَنْ يُدْفَعَ إِلَيْهِ
 فَإِنَّهُ يُنْفِقُ فِي الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ؛

همه اموال مال من و مال محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است، انفاق می کنند و صدقه می دهند هر گونه که خواستند. وسختی بر آن دو نیست و همانا برای دختر جندب یعنی دختر ابوذر غفاری است آن صندوقچه کوچک و اموالی که در آن است و کفش های چرمی، فرش، لباس، تخت، متکا و روانداز مخمل؛ و اگر برای یکی از آنهایی که برایشان وصیت کردم، قبل از اینکه مال به او پرداخت شود اتفاقی افتاد، پس انفاق شود به فقرا و مساکین؛

وَ إِنَّ الْأُسْتَارَ لَا يَسْتَرُ بِهَا امْرَأَةً إِلَّا
 إِحْدَى ابْنَتِي غَيْرَ إِنْ عَلِيًّا يَسْتُرُ بِهِنَّ إِنْ
 شَاءَ مَا لَمْ يَنْكَحْ وَإِنَّ هَذَا مَا كَتَبْتُ
 فَاطِمَةَ فِي مَالِهَا وَقَضَتْ فِيهِ وَاللَّهُ
 شَهِيدٌ وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَالزُّبَيْرُ بْنُ
 الْعَوَامِ وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، كَتَبْتُهَا
 وَلَيْسَ عَلِيٌّ عَلِيٌّ حَرَجٌ فِيهَا فَعَلٌ مِنْ
 مَعْرُوفٍ ١٩.

و همانا پرده ها را هیچ زنی نباید استفاده کند، مگر یکی از دو دخترم، مگر علی علیه السلام که اگر خواست بوسیله آنها می پوشاند، مادامی که ازدواج نکرده است؛ و همانا این است آنچه که فاطمه علیها السلام در مورد مالش نوشت و حکم کرد در آن و خداوند و مقداد بن اسود و زبیر بن عوام و علی بن ابیطالب علیه السلام گواه هستند.

نوشتم آن را و سختی بر علی علیه السلام نیست در آنچه انجام دهد از هر کار پسندیده ای.

سفید

«خاتمه»

علت برخی وصیت‌ها

از زبان

حضرت زهرا علیها السلام

عَلَّتْ بَرَخِي وَصِيَّتِهَا مِنْ زَبَانِ حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيَّاهَا

از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است که علت

برخی از وصیتهای را چنین بیان می فرماید:

« لَا تُصَلِّي عَلَيَّ أُمَّةٌ نَقَضَتْ عَهْدَ

اللَّهِ وَعَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ وَظَلَمُوا لِي

حَقِّي وَأَخَذُوا إِرْثِي وَحَرَّقُوا

صَحِيفَتِي الَّتِي كَتَبَهَا لِي أَبِي

بِمُلْكِ فَدَكٍ وَكَذَّبُوا شُهُودِي؛

اینکه:

آنها امتی بودند که پیمان خدا و پیامبرش
را در ولایت و رهبری علی علیه السلام شکستند و
نادیده گرفتند.

اینکه: آنها نسبت به حق من ظلم روا
داشتند و ارث مرا غاصبانه تصرف کردند و
سند مالکیت فدک را از دست من ربودند و
به آتش کشیدند.

اینکه: آنها گواهان و شاهدان مرا تکذیب
کردند،

وَهُمْ وَاللَّهُ جَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَأَمِيرُ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأُمُّ أَيْمَنَ ، وَطَنَتْ
 عَلَيْهِمُ فِي بُيُوتِهِمْ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
 يَحْمِلُنِي وَمَعِيَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَيْلًا وَنَهَارًا إِلَى مَنَازِلِهِمْ
 وَأَذْكُرُهُمْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أَلَّا تَظْلِمُونَا
 وَلَا تَغْصِبُونَا حَقَّنَا الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ
 لَنَا؛

سوگند به خدا که گواهان من حضرت جبرئیل و میکائیل و امیرالمؤمنین علیه السلام و ام ایمن بودند .

اینکه آنها در روز یاری و حمایت از ما ، در خانه های خود خزیدند و دست از یاری ما کشیدند .

و امیرالمؤمنین علی علیه السلام مرا همراه با حسن و حسین علیهما السلام شب و روز برای بیداری امت غفلت زده به خانه های مهاجر و انصار می برد و من آنها را نسبت به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و حقوق الهی هشدار می دادم و می گفتم به ما اهل بیت ظلم روا مدارید و حق مسلمی را که خدا به ما بخشیده است غصب نکنید؛

فِيَجِيبُونَا لَيْلًا وَيَقْعُدُونَ عَنْ
 نُصْرَتِنَا نَهَارًا، فَجَمَعُوا الْحَطَبَ
 الْجَزَلَ عَلَى بَابِنَا وَآتَوْا بِالنَّارِ
 لِيَحْرَقُوهُ وَيَحْرَقُونَا ...

فَهَذِهِ أُمَّةٌ تُصَلِّي عَلَى؟!». ۲۰

پس در تاریکی شب جواب مساعد
می‌دادند که شما را یاری می‌کنیم ، اما در
روز روشن از یاری ما دست برمی‌داشتند
. پس اینکه به خانه ما هجوم آوردند و با
جمع آوری هیزم فراوان و آتش زدن آن
خواستند ، خانه را و ما را که در آن بودیم
در آتش بسوزانند .

**آیا چنین امتی سزاوار است بر من
نماز بگذارد !!؟**

پاسخ علی علیه السلام به اصْبَغِ بْنِ نُباته

در باره دفن شبانه حضرت زهرا علیها السلام

حضرت علت را در یک جمله کوتاه اما پر

معنی بیان کرده و چنین فرموده است که:

« إِنَّمَا كَانَتْ سَاخِطَةً عَلَى قَوْمٍ

كَرِهَتْ حُضُورَ جِنَازَتِهَا !

وَ حَرَامٌ عَلَى مَنْ يَتَوَلَّاهُمْ أَنْ

يُصَلِّيَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ وُلْدِهَا».^{۲۱}

حضرت فاطمه علیها السلام از دست گروهی
خشمناک بود و از اینکه آنان در تشییع
جنازه و دفن او شرکت کنند، کراهت
داشت و ناراحت بود!

و بر هر که آنان (دشمنان) را دوست
دارد، حرام است بر یکی از اولاد حضرت
فاطمه علیها السلام نماز بخواند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالی** (للسدوق)،
ناشر: کتابچی؛ تهران، ۱۳۷۶ ش.
۳. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، **عوامل
العلوم**، مؤسسة الإمام المهدي «عجل الله تعالى
فرجه الشريف» قم، چ اول، ۱۴۱۳ ق.
۴. خصیبی، حسین بن حمدان، **الهدایة الكبرى**،
ناشر: البلاغ؛ بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۵. رشید احمد الکنکوهی، **الکوکب الدرّی**، جنة
العلماء بالهند، ۱۳۹۵.

۶. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر ، دلائل الإمامة، مؤسسة البعثة، ناشر: بعثت؛ قم، ۱۴۱۳.
۷. عاتق بن غيث البلادی، معجم معالم الحجاز.
۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ناشر: انتشارات رضی؛ قم ۱۳۷۵ش
۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ تهران: اسوه.
۱۰. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ ج ۲، لبنان: دار احیاء التراث العربی.

دیگر آثار و تألیفات مؤلف:

۱. زیارت عاشورا و ماجرای همسر استاد اشرف آهنگر
۲. مصائب رأس الحسین علیه السلام
۳. وصایای چهارده معصوم علیهم السلام (پنج جلدی)
۴. مصائب حضرت زینب علیها السلام
۵. خطبه خوانی (روش قرائت هفت خطبه)
۶. تمثیلات تفسیر نور (استاد قرائتی)
۷. خطبه های هفتگانه آزادگان کربلا
۸. مفاتیح الحوائج (۷۵ دعای قرآنی)
۹. ویژگیهای جن از منظر قرآن و عترت علیهم السلام
۱۰. بدزبانی و راههای پیشگیری از آن
۱۱. نرم افزار خطبه خوانی

توجه: جهت تهیه این آثار با تلفن همراه شماره

۰۹۱۲۵۵۲۱۹۶۱ تماس حاصل فرمایید.